

ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی

ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی در نیمه دوم قرن سوم هجری در ده بنج، مرکز ناحیه رودک سمرقند متولد شد.



ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی در نیمه دوم قرن سوم هجری در ده بنج، مرکز ناحیه رودک سمرقند متولد شد. رودکی نخستین سخن سرائی فارسی نیست اما نخستین شاعری است که شهرهای خوب بسیار گفته و شعر فارسی اولیه را کمال بخشیده است.

گروهی از تذکره نویسان به کوری مادرزادی او اشاره کرده اند و برخی معتقدند که بعدها کور شده است. رودکی در انواع شعر از قصیده و غزل و قطعه و رباعی طبع آزمایی کرده و مثنوی های گوناگون ساخته است. از جمله به گفته فردوسی، کلیله و دمنه را به نظم درآورده است:

گزارنده را پیش بنشانند همه نامه بر رودکی خواندند

نوشته اند که بیش از صد هزار شعر داشته است، متأسفانه از این همه شعر امروزه اندکی باقیمانده است. رودکی در سال 329 یا 330 ه.ق. در زادگاه خود درگذشت.

ای آنکه غمگنی
ای آنکه غمگنی و سزاواری
واندر نهان سرشک همی باری
از بهر آن کجا نبرم نامش
ترسم رسد آنده و دشواری
رفت آنکه رفت، و آمد آنک آمد
بود آنچه بود، خیره چه غم داری؟
هموار کرد خواهی گیتی را؟
گیتی ست، کی پذیرد همواری؟
مستی مکن که نشنود او مستی
زاری مکن که نشنود او زاری
شو تا قیامت آید زاری کن،
کی رفته را به زاری باز آری؟
آزار بیش بینی زین گردون
گر تو به هر بهانه بیازاری
گویی گماشته ست بلایی او
بر هر که تو بر او دل بگماری
ابری پدید نی و کسوفی نی
بگرفت ماه و گشت جهان تاری
فرمان کنی یا نکنی، ترسم
بر خویشتن ظفر ندهی باری ...
اندر بلای سخت پدید آرند
فضل و بزرگمردی و سالاری

پند زمانه

زمانه پندی آزادوار داد مرا
زمانه، چون نگری، سر به سر همه پند است

به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوري
بسا کسا که به روز تو آرزومند است
زمانه گفت مرا: خشم خویش دار نگاه
که را زبان نه به بند است، پای در بند است.

سوک پيري

من موي خویش را نه از آن مي کنم سياه
تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه
چون جامه ها به وقت مصیبت سیه کنند
من موي از مصیبت پيري کنم سياه